



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

لیدن 6 فیروری 2009

اعلامیه

نظر کوتاه به کارکردهای سه ساله پارلمان افغانستان

درین روزها پارلمان افغانستان وارد چهارمین سال فعالیت خویش شد. بدین مناسبت خواستیم نظری به ارمغان سه سال گذشته پارلمان بیانداریم و به صفحه انترنتی پارلمان (www.parliament.af) مراجعه کر دیم. متأسفانه چیزی زیادی بدست نیامد. نمیدانیم که مسوول صفحه انترنتی پارلمان نیز با پیروی از وکلا صرف ماه یکبار و آنهم در روزتوزیع معاشات به پارلمان می آید و یا اینکه چیز قابل ملاحظه برای نشرو وجود ندارد. صرف گزارش فعالیتهای سال اول را میتوان در صفحه انترنتی دریافت. بنابراین باید برای دستیابی به کارکرد پارلمان طی سه سال گذشته به سایر آرشیف ها مراجعه می کردیم. بر مبنای منابع موجود اولویتهای کاری پارلمان طی سه سال گذشته را میتوان به پنج دسته تقسیم نمود:

- تلاش اعضا پارلمان برای ازدیاد امتیازات شان،
- سفرها به خارج و پذیرش سفرا و هیأت های خارجی در مقر پارلمان،
- معضلات حاد داخلی پارلمان،
- زور آزمایی و لسی جرگه با حکومت،
- بحث و نظردهی بر تشکیلات و فعالیتهای حکومت و قوه قضایی،
- فعالیتهای تقنینی.

تسهیلات علمی-تکنالوژیک فراهم آورده شده برای وکلا و پرداخت معاشات دالری و سایر امتیازات (البته با پول UNDP و USAID) حد اقل در سطح منطقه بینظیر است ولی برای بسیاری از وکلای ما کافی نمیباشد. ایکاش نمایندگان واقعی مردم به پارلمان راه می یافتند تا بعوض چنه زدن بالای امتیازات شان قدر تسهیلات موجود را میدانستند و از امکانات علمی-تخنیکی موجود (انترنت بیسیم در تمام تعمیر پارلمان، کتابخانه تقنینی دیجیتال در تعمیر پارلمان و در عین حال کلکسیون قوانین بصورت رایگان برای استفاده شخصی هر وکیل) در اجرای وظایف اصلی شان استفاده مینمودند. متأسفانه بسیاری از وکلای ما عضویت پارلمان را بحیث یک مصروفیت فرعی میبینند و هرگاه در جریان کارهای اساسی شان (تجارت قانونی و غیر قانونی، ساختن شهرکها در زمینهای دولتی که بصورت غیر قانونی تصاحب شده است، وساطت در معاملات فیما بین سران مافیا های گوناگون و حکومت در برابر حق الزحمه،



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

واسطه شدن برای خانها و قوماندانهای محلی ویا سایر اشخاصی که حاضرند به وکیل در برابر این آبروریزی "تحفه" بدهند در مراجع حکومتی و قضایی و بالاخره واسطه شدن برای رهایی قاچاقبران موادمخدره و افراد مخمل امنیت و خرابکار) روزی وقت یافتند، سری به پارلمان نیز میزنند. صرف درحالات استثنایی اکثریت اعضا حضور بهم میرسانند. مثالهای این حالات را میتوان در روزهای دید که بدست آوردن یک امتیازدسته جمعی اعضا (مثلاً تصویب منشور شرم آور عفو متهمین جنایات جنگی و نقض حقوق بشر، از یاد معاشات و سایر امتیازات اعضا پارلمان) ، معضلات حاد داخلی پارلمان (اخراج ملالی جويا بنام "تعلیق" از پارلمان بخاطر اظهارات افشاگرانه اش و بحث اخیر مشرانو جرگه بالای غیرقانونی شدن ادامه کاریک ثلث اعضا مشرانو جرگه) ویا زمانیکه زور آزمایی با حکومت (مثلاً رای گیری مجدد بالای سلب اعتماد از دادفر- سپنتا) .

در رابطه با رد و تایید اعضا کابینه و ستره محکمه نیز پارلمان ریکارد قابل توصیفی ندارد. کاندیدهای که بنحوی از انحا با جبهه "ملی" و سایر بخش های اشرافیت تنظیمی ارتباط داشته و قبلاً توسط این تنظیمها به رییس جمهور "سفارش" شده اند بدون چون و چرا تأیید شده اند. سایرین به اثر تهدید ویا تطمیع توسط حکومت یا پشتیبانان بین المللی اش بر پارلمان تحمیل شده اند. یگانه استثنای روشن این اصل ردمولوی شینواری بود که از طرف کرزی بحیث رییس ستره محکمه پیشنهاد شده بود. حتی درین مورد نیز اعتراض پارلمان بر کیرسن موصوف بود نه بر عدم شایستگی اش و به قهقرا کشانیدن سیستم قضایی افغانستان توسط وی در سالهای اول کرزی.

استیضاح از وزرا اصولاً یک حربه دموکراتیک است که پارلمان میتواند بوسیله آن قوه اجراییه را از انحراف از قوانین ویا نقض منافع ملی بازدارد. پارلمان افغانستان قرار معلوم ازین حربه اکثرأ برای تصفیه حسابهای سیاسی با دگراندیشان ویا زور آزمایی با حکومت سوء استفاده میکند. در مواردیکه استیضاح و استجواب ضروریست پارلمان یا خاموش است یا به نمایشات تبلیغاتی اکتفا میکند. اسماعیل خان وزیر آب و برق سالها مردم را در تاریکی نگهداشت و هیچ گام اساسی در راه احداث پروژه های بزرگ تولید برق یا استفاده از آب سرشار دریا های افغانستان نگذاشت . در شرایطی که دست به تگدی ما برای اخذ گندم به همه جهان دراز است و بیست میلیون افغان تحت خط فقر زندگی میکنند، چرا وزارت آب و برق نخستین گامهای عملی را برای استفاده از آبهای آمو و هلمند در خدمت احیا و توسعه زراعت افغانستان نگذاشته است؟ چرا از منابع طبیعی در کشور خود استفاده نمیکنیم و میگذاریم که همسایه گان بشکل انحصاری ازین منابع استفاده نمایند؟ چرا در شرایطیکه چندین ولسوالی ولایت بلخ را خطر تحت آب شدن تهدید میکند و آب دریای آمو چندین کیلومتر در عرض خاک افغانستان داخل شده است. وزارت های آب و برق و سرحداث و پارلمان هیچیک به این موضوع علاقمندی نشان نمیدهند. و عدم توجه به آمودریا باعث ایجاد مناطق متنازع فیه بین افغانستان و تاجکستان شده است. اخیراً یک هیأت حکومتی بخش هایی از خاک متنازع فیه را به تاجکستان واگذار شد. آیا این وظیفه پارلمان نیست که درین رابطه تصمیم حکومت را که فسادش شهرت جهانی دارد مورد بررسی قرار دهد؟



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

در داخل پارلمان کمسیون بنام نظارت از تطبیق قانون نیز وجود دارد. اثری از فعالیت این کمسیون در گزارشات مطبوعات بنظر نمیخورد. جای تعجب هم نیست زیرا زمانی که پارلمان قانون نسازد از تطبیق چه نظارت کند؟ قانون رسانه ها که یکی از ساخته های این پارلمان است توسط آقای خرم وزیر اطلاعات به حبس دراماری دفترش محکوم شده است. خرم حین استیضاح درین رابطه پارلمان را متهم نمود که قانون را تحت فشار خارجیها تصویب کرده است. نمیدانیم منظور آقای خرم کدام خارجیهاست؟ همان خارجیهای که امنیت و تمویل حکومتش را بدوش دارند یا همسایگان مداخله گر ایرانی، پاکستانی و روسی که درکشور ماتخم نفاق میکارند و گلبدینها، دوستمها، د و ملاعمرها را در آغوش گرفته و نوازش میدهند؟ این بار که پارلمان با یک وزیر تنظیمی مواجه بود ویرا سلب اعتماد نکرد بلکه خود به تعدیل قانون گردن نهاد.

به تقنین که نخستین و اساسی ترین وظیفه پارلمان است کمترین توجه صورت گرفته است. به استثنای یکعده قوانین متعلق به عرصه تجارت، سرمایه گذاری، وضع محابس و آزادی بیان که تدوین و تصویب آنها تحت فشار بین المللی صورت گرفته است، گام قابل ملاحظه دیگری در عرصه قانونگذاری نهاده نشده است. این درحالیست که قوانین جزا و مدنی افغانستان و قوانین تطبیقی این قوانین (قوانین اجراءات جزایی و مدنی) نیازمند بازنگری و اصلاحات در پرتو کنوانسیونهای بین المللی که افغانستان عضویت آنها را دارد، میباشد. طی سالهای اخیر حقوق اطفال افغانستان بطور روز افزون پامال گردیده ایشان به کار های شاقه، تگدی و فحشا مجبور ساخته میشوند و تجاوزات جنسی به اطفال بخصوص در شمال افغانستان به یک مشکل حاد مبدل شده است. اگر افغانستان یک پارلمان وظیفه شناس میداشت حتماً با استفاده از حق ابتکاری خویش به تقنین درین زمینه میپرداخت. حق ابتکاریه پارلمان این اجازه را میدهد که خود در مشوره با حکومت به تدوین مسوده قانون بپردازد. ازین امکان صرف برای تدوین قانونی استفاده شد که هدف آن احیا " اداره امر بالمعروف " بود. خوشبختانه یوناما توانست از تصویب این طرح که حکومت هم با آن تفاهم داشت جلوگیری کند. وقتی بدانیم که در رأس کمسیون حقوق بشرو حقوق زن ولسی جرگه دخترخوانده و همکار دوران قدرت برهان الدین ربانی قرار دارد، این سوال حل میگردد که چرا به این طرح از داخل پارلمان اعتراض نشده است و چرا به تقنین غرض پایان دادن به بیعدالتی ها و آلام زنان عطف توجه نشده است. سال گذشته رادیو BBC خبر داد که هیأت پارلمانی زنان تحت ریاست صدیقه بلخی به ایران رفته تا از بخش زنان پارلمان آنکشور در رابطه به حل مشکلات زنان بیاموزد. در شرایطیکه پارلمان آخوندی ایران فقط برای محکومیت بیشتر زنان قانون میسازد و شعبه زنان " سپاه انقلاب " نوع ایرانی امر بالمعروف را بالای زنان ایرانی تطبیق میکند، آموختن از پارلمان ایران جز جنون ایدیولوژیک ویا داشتن روابط " خاص " با حکومت آخوندی، علت دیگری داشته نمیتواند.

تفکر راجع به اینکه چرا پارلمان افغانستان در چنین وضعی قرار دارد ما را وادار میسازد تا سه سال به عقب رفته و چگونگی ایجاد پارلمان را بخاطر بیاوریم. حین تدوین توافقات بن به پروسه احیا سیستم دولتی افغانستان با کوتاه بینی برخورد شده بود و برنامه دولتمساز میطروحه پیچیدگیهای افغانستان را نادیده گرفته و پروگرام عجولانه ایرا



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

برای اعمار مجدد ارگانهای دولتی طرح نموده بود. با آنهم اگر این پروگرام بشکل قدم با صداقت وجدیت تطبیق میشد وبعوض چوکات زمانی به تطبیق بنیادی هر مرحله توجه میگردد، افغانستان درموقعیت دشوار کنونی قرار نمیداشت. انتخابات ریاست جمهوری وپارلمانی زمانی صورت گرفت که هنوز پروسه خلع سلاح وایجاد ارگانهای قوی امنیتی ودفاعی در نطفه قرار داشت. هردو انتخابات در سایه تریاک وتفنگ صورتگرفت. افرادمتهم به جنایات شنیع گذشته که لیست شان به صد ها نفرمیرسید واصولا حق کاندید شدن نداشتند چون گلابزوی ها، علمی ها، سیافها، ربانیها، ویدنامترین قومانانهای تنظیمی وطالبی اجازه یافتند بدون درنظرداشت اعمال گذشته شان خود را به عضویت پارلمان کاندید کنند. عقب نشینی های کرسی درین زمینه بحرانسازبوده واز حافظه تاریخ زدوده نخواهدشد. لیست کاندیدها مردم ما را ازهمان دوران به پارلمان بی باور وبی علاقه ساخت. آماراشتراک کنندگان نتوانست معیار حد اقل 50 فیصد دارندگان حق رای را تکمیل کند ولی نظارت کنندگان بین المللی مصلحتاً به این انتخابات (بحیث یک تمرین برای مردم افغانستان که بالای صد ها میلیون دالر مصرف شده بود) صحنه گذاشتند. موجودیت چهره های که با سوابق پاک ودست خالی به پارلمان راه یافتند چون ملالی جویا، شکریه بارکزی، رمضان بشردوست وغیره اگرتصادفی نباشد، بیانگرجرات سرشار خود شان ومؤکلین شان است که درزیرحاکمیت تفگ وتریاک خود را کاندید کردند ورای گرفتند.

درنتیجه میتوان گفت که دوره چهاردهم پارلمان افغانستان در بهترین حالت وسیله ایست برای اقتناع افکارعامه در برخی کشورهای خارجی که میکوشند سیستم سیاسی افغانستان را دموکراتیک جلوه بدهند ودرعین حال عده ای ازسران رژیمهای گذشته، قوماندانها وفعالین سیاسی تنظیمی رابخاطرخدمات گذشته شان دریکی از ارگانهای دولتی مصروف وراضی نگهدارند. بهمین جهت آنچه اکثریت اعضا پارلمان انجام میدهند یا درخدمت خودشان است ویا درخدمت کشورهای که با آن روابط پیدا وپنهان دارند. خانه ملت نیزهمچون زمینهای دولتی توسط زورمندان تصاحب شده و نمایندگان مردم دران اقلیت بس کوچکی را تشکیل میدهند. این پارلمان به هیچصورت از ملت افغان نمایندگی کرده نمیتواند وقادر به برآورده ساختن انتظارات آن نمیشد.

"کمیته حقوق بشر فارو"